

آفتاب یزد – گروه فرهنگی: سینمای ایران در طول سال‌های بسیاری که از عمرش می‌گذرد فیلم‌های متعددی را توسط کارگردانان مختلف تولید کرده‌است؛فیلم‌هایی که برخی از آنها در حد معمولی بودند و بعضی هایشان درجه کیفی و کمی شان به لحاظ قصه‌گویی و بازی بازیگران و همچنین فیلمبرداری، تدوین و منوآژ از معمولی هم پایین‌تر بود و طبیعتاً برخی فیلم‌ها هم بودند که بسیار خوب ساخته و پرداخته شده و از هر لحاظی جزو برترین‌های سینمای ایران محسوب می‌شدند، فیلم‌هایی که اغلب توانسته‌اند نام کارگردانان و حتی بعضی از بازیگران خود را بلند کنند تا حدی که این افراد هم در سطح کشور و هم در خارج از مرزهای سرزمینمان به افراد مشهور و محبوبی تبدیل شده‌اند. هنرمندانی مانندعباس کیارستمی، علی حاتمی،داریوش مهرجویی، اصغر فرهادی، شهاب حسینی، نوید محمدزاده، بهرام بیضایی، ناصر تقوایی… که در زمان و مکان مناسب در صنعت فیلمسازی و بازیگری تمام تلاش خود را به کار گرفته و اثری را هم برای سینمای ایران و هم برای سینمای جهان تولید کرده و به یادگار گذاشتند. اما آنچه در این میان واضح است اینکه برخی از همین فیلم‌ها و فیلم‌هایی که بیشتر درباره آنان سخن گفتیم به مذاق عده‌ای خوش نمی‌آید و قول معروف به دلشان نمی‌نشیند،

به صورتی که وقتی با آنها درباره اینگونه فیلم‌ها سخن می‌گوییم آن ذوق و شوقی را که بقیه به نسبت به این فیلم‌ها نشان می‌دهند از خود بروز ندهاد و انگار دارند از یک فیلم معمولی سخن می‌گویند. پروضاح است که این دیدگاه بیش از آنکه مربوط به فیلم مورد نظر باشد مرتبط با شیوه فیلمسازی و بازیگری هنرمدانی است که در آن فیلم نقش داشته‌اند.
به صورتی که اگر آن کارگردان یا بازیگر هر فیلم دیگری را هم تولید می‌کرد باز هم این افراد همین دیدگاه را نسبت به آثار دیگر این هنرمندان داشتند.اما در نگاه کلی اگر بخوایم بررسی کنیم، می‌بینیم که اغلب آثاری که در جامعه داخلی و خارجی مورد پسند و اقبال مخاطبان قرار می‌گیرند فیلم‌های خوب و ارزشمندی هستند که ارزشمندی شان بیانگر این است که کارگردان یا بازیگر مورد نظر که در تهیه و تولید آن فیلم نقش داشته از توانمندی زیادی برخوردار بوده‌است، به نحوی که برای فیلم‌های دیگرشان را هم مورد ارزیابی قرار بدهیم، می‌بینیم که کارنامه هنری آنها سرشار از فیلم‌های موفق و مورد استقبال قرار گرفته توسط مخاطبان ایرانی و خارجی بوده‌است. این موضوع البته فقط مختص سینمای ایران نیست و شامل هنر هفتم در کشورهای دیگری هم می‌شود، به صورتی که برای مثال کارگردانان یا بازیگرانی مانند مارتین اسکورسیزی، کریستوفر نولان، کوئنتین تارانتینو،آلخاندرو ایناریتو، رابرت دنبرو، مارلون براندو،لئوناردو دیکاپریو، جانی دپ،انجلینا جولی، برد پیت، نیکول کیدمن و… نیز در سطح دنیا علاقه مندان بسیار زیادی دارند که هنگامی که مطلع می‌شوند آثار کارگردان یا بازیگر مورد علاقه شان جدیدی را ساخته یا در اثر جدیدی بازی کرده، در زمان اکران فیلم سر از پای نمی‌شناستند و منتظر می‌ماند که فیلم جدید را ببینند و این انتظار گاهی حتی اندازه‌اش آندر زیاد است که دوستداران این هنرمندان از زمان اکران فیلم مورد نظر صبر نمی‌کنند و به قول معروف آثار مورد نظر را از فضای مجازی دانلود کرده و آن را به تماشا می‌نشینند.
اما برای تفسیر می‌توان دریافت تاکنون در این مورد گزارش بیان شد ما را یا یک حقیقت مهم و تاثیرگذار روبرو می‌کند، این که در عرصه هنر هفتم تمام تلاشی که صورت می‌گیرد به خاطر و برای مخاطب است. اگر کارگردانی پشت دوربین می‌رود و اگر بازیگری مقابل دوربین قرار می‌گیرد و اگر همکاری این دو نفر و اعضای دیگر گروه بازیگری و فیلمبرداری، فیلم سینمایی جدیدی ساخته می‌شود به خاطر این است که مخاطب به تماشای آن بنشیند تا از این رهگذر هم تیزهایی فرهنگی‌اش با تماشای فیلم‌های موردنظر رفوع شود و هم کارگردان و بازیگر و تیم سازنده و تولیدکننده آن فیلم سینمایی بتوانند از کنار این تعامل و همکاری برای خود در آمدی را کسب کنند. پروضاح است که در این میان سینما به عنوان یک عنصر مستقل نیز منفعت خاص خود را خواهد برد. با این تفسیر هرچه فیلم‌ها بیشتر مورد علاقه و استقبال تماشاچیان قرار بگیرد، اندازه این منفعت هم برای مخاطب هم برای کارگردان و بازیگر و هم برای سینما بیشتر خواهد بود.

همانطور که واقعاً هستسید سینما به خاطر ویژگی‌های خاصی که دارد تنها محدود به مرزهای یک سرزمین نمی‌شود و این یعنی فقط مخاطب داخلی ندارد و هنگامی که یک فیلم ساخته می‌شود نمی‌توان و نباید انتظار داشت که تنها مخاطب داخلی از آن استقبال کند و خواهان و خواستار تماشایش باشد خصوصاً در این شرایطی که خبر ساخت هر اثر هنری خاصه در حوزه سینما در کمتر از کسری از ثانیه به تمام جهان مخابره می‌شود، خواه کارگردان این فیلم استوین اسپیلیبرگ باشد یا مجید مجیدی. در هر دو صورت آنچه اتفاق می‌افتد این است که دنیا در کمترین زمان ممکن از ساخت فیلم سینمایی جدید مطلع خواهد شد و این اطلاع یافتن یکی از شاخص‌های طرفداران بسیار زیاد کارگردانان مختلف را به حرکت در خواهد آورد تا بفهمند اثر جدید هنری که در حوزه هنر هفتم ساخته شده چه زمانی رنگ پرده را به خود خواهد دید تا عزم جزم کنند و خود را برای تماشای آن فیلم آماده نمایند. در این حین و بین برخی از موارد نیز به شناخته شدن بیشترین فیلمهای جدید کمک می‌کنند و شرایط معرفی آنها را به چپانین همیا می‌نمایند.یکی از این موارد جشنواره‌های مختلفی هستند که هر از چندگاهی در کشورهای گوناگون برپا می‌شوند و این امکان را برای کارگردانان و بازیگرانی که آثار جدیدی را تولید کرده‌اند فراهم می‌آورند که محصول جدید هنری خود را برای اولین بار در چنین فستیوال‌هایی به نمایش بگذارند و اینگونه به قول معروف از فیلم جدید خود رونمایی نمایند.
حسن اینگونه جشنواره‌ها جدا از معرفی فیلم‌های مورد نظر به عرصه‌های مختلف جهان

تازه‌ها را به‌صورت پیش‌قدمانه به‌صورتی که در نگاه اول درخشان است.

سال ۲۰۲۰ برخلاف شکل نوشتاری زیبا و شیکش سال خوشباندی برای دنیا نبود سالی که تماماً در حول و ولای بیماری مرگبار کرونا به آخرین روزهایش رسیده است. طبعاً سینمای جهان نیز از این سختی‌ها بی‌بهره نبوده‌است؛ در کنار تعطیلی اغلب سینماها در اکثر ایام سال و تعطیلی بیشتر جشنواره‌ها و همینطور لغو اکران بسیاری از فیلم‌های مطرح دنیا، این صنعت به مانند سالهای گذشته عده‌ای از بزرگان خود را نیز در این دوران از دست داد، در میان هنرمندانی که از گردنه دشوار سال ۲۰۲۰ عبور نکردند، بعضی هایشان همچون «کِرک داکلاس» و «اولیویا دی هاولیند» آنقدر زندگی کرده بودند که به نظر می‌رسید دیگر راه غلبه بر مرگ را پیدا کرده‌اند! در اینجا پیش‌توار در گذشته‌های امسال را مرور کرده ایم؛ از «شان کانری»، «کِرک داکلاس» و «نیو موریکونه» بی‌همتا تا «چادویک بوزمن»، «آلن دایوید»، «کیم کی دوک» و دیگران.

■ مشهورترین‌ها:

احتمالاً «شان کانری» ستاره اسکاتلندی سینمای جهان و اولین جیمز باند سینما، مشهورترین شخصیت هنری درگذشته سنال ۲۰۲۰ باشد، کانری ۳۱ا اکتبر امسال در نود سالگی از دنیا رقت، البته خبیر مرگ این بازیگر نامدار چندان شوکه‌کننده نبود.مت‌ها شایعات زوال عقل مرد خوش سینمای سینما وجود داشت. «شان کانری» بیشتر به واسطه حضور در چند سری اول فیلم‌های جیمز باند که از قضا بهترین‌های این فرنشایز سینمایی نیز هستند شناخته می‌شد او دوره میانسالی پرپاری هم داشت بازی در «گل ممل سرخ»، «مردی که دلش می‌خواست سلطان شود» و «سخریزادپدران» نمونه‌های درخشان نقش آفرینی‌های کانری در سینمای غیر جیمزباندی‌است.

دیگر ستاره مشهور درگذشته سنال ۲۰۲۰ «کِرک داکلاس» بود خودش که می‌گفت از جنگ جهانی دوم، سقوط پالگرد، یک سخته و دو عمل زانو جان سالم به در داده‌است با این حال در ۱۰۳ سالگی قبل از آنکه دنیا به طور جدی درگیر کرونا شود از دنیا رفت. «کِرک داکلاس» این روزها بیشتر برای شاهکارهای «سپار تاکوس» و «راه‌های افتخار» هر دو ساخته کوپریک به یاد آورده می‌شود

تازه‌ها را به‌صورت پیش‌قدمانه به‌صورتی که در نگاه اول درخشان است.

سال ۲۰۲۰ برخلاف شکل نوشتاری زیبا و شیکش سال خوشباندی برای دنیا نبود سالی که تماماً در حول و ولای بیماری مرگبار کرونا به آخرین روزهایش رسیده است. طبعاً سینمای جهان نیز از این سختی‌ها بی‌بهره نبوده‌است؛ در کنار تعطیلی اغلب سینماها در اکثر ایام سال و تعطیلی بیشتر جشنواره‌ها و همینطور لغو اکران بسیاری از فیلم‌های مطرح دنیا، این صنعت به مانند سالهای گذشته عده‌ای از بزرگان خود را نیز در این دوران از دست داد، در میان هنرمندانی که از گردنه دشوار سال ۲۰۲۰ عبور نکردند، بعضی هایشان همچون «کِرک داکلاس» و «اولیویا دی هاولیند» آنقدر زندگی کرده بودند که به نظر می‌رسید دیگر راه غلبه بر مرگ را پیدا کرده‌اند! در اینجا پیش‌توار در گذشته‌های امسال را مرور کرده ایم؛ از «شان کانری»، «کِرک داکلاس» و «نیو موریکونه» بی‌همتا تا «چادویک بوزمن»، «آلن دایوید»، «کیم کی دوک» و دیگران.

نگاهی به فعالیت کارگردانان در پروسه فیلمسازی در سینمای ایران

موفقیت در گیشه، موفقیت در جشنواره



تازه‌ها را به‌صورت پیش‌قدمانه به‌صورتی که در نگاه اول درخشان است.

آن است که این آثار می‌توانند در کنار حضور در این فستیوال ها، جوایزی را نیز در بخش‌های مختلفی از آن خود نمایند. مسلمانا هر چه تعداد این جوایز بیشتر باشد آن فیلم‌ها هم به لحاظ اشتیاق و تماشایشان در عرصه جهانی می‌توانند مخاطبان بیشتری را برای خود جمع‌آوری کنند و هم امکان حضور در جشنواره‌های دیگر را برای خودشان فراهم نمایند. اما در این میان یک موضوع بسیار مهم وجود دارد، آنهم نوع پرخوردهایی است که با حضور فیلم‌های مختلف در چنین جشنواره‌هایی می‌شود. البته شاید چنین پرخوردهایی در سینمای کشورهای دیگر هم صورت بگیرد، اما به این دلیل که ما موضوع بحث ما در این گزارش پیرامون سینمای ایران و حضور آثار این سینما در جشنواره‌های جهانی است به بررسی این دیدگاه‌ها و پرخوردها درباره این موضوع می‌پردازیم. اگر خاطراتان باشد چندی پیش گزارشی را در صفحه فرهنگی منتشر کردیم که در آن به بررسی اظهارات یکی از فعالان حوزه تولید آثار تصویری پرداخته بودیم. در آن گزارش فاکتورها و المان‌هایی را مطرح کردیم که نشان می‌داد علیرغم برخی از اظهارنظرها سینمای ایران به شدت به حضور در جشنواره‌های مختلف نیاز دارد، چرا که این دیدگاه‌ها و همکارانش همچونآرش مهری،امیر مقدر فاضل، پس از به دنیا بسیار موثر باشد. در ادامه این گزارش به بیان دو اظهارنظر دیگر دو فعال تولید و ارائه آثار تصویری در حوزه سینما می‌پردازیم تا دریابیم آنچه را که در گزارش پیشین از سخنان آن فعال فرهنگی به نقد و بررسی نستسته بودیم تا چه اندازه با نظر سایر همکارانش همخوانی دارد و احیاناً مقدر فاضل، پس از آن سه تحلیل درباره این موضوع می‌پردازیم که اگر سینمای ایران حضور در جشنواره‌های جهانی را برای همیشه کنار بگذارد فقط به مخاطب ایرانی بچسبد چه اتفاقی خواهد افتاد. اما پیش از ذکر اظهارات این دو فعال عرصه رسانه‌های تصویری ذکر این نکته را لازم و ضروری می‌دانیم که عموماً در دنیای امروز یکی از مهمترین اهداف هر کارگردانی در شرکت در جشنواره‌های خارجی کسب جایزه است چرا که همانطور که پیشتر گفتیم در صورت رخ دادن این اتفاق هم فیلم مورد نظر در عرصه جهانی بیشتر شناخته می‌شود و هم مخاطب بیشتری را برای اثرش آفری و آثار بعدی که کارگردان یا بازیگر ایرانی آن را تولید کرده یا در آن هنرنمایی کرده‌اند به سمت خود جذب می‌کند.

■ سم خطرناک برای سینمای ایران

چندی پیش کریم امینی کارگردان و بازیگر سینما طی سخنانی گفته بود: «طبیعی است که وقتی یک فیلم ساخته شود به صدها جشنواره ارسال شده و در نهایت توسط یکی از جشنواره‌ها پذیرفته شود، اما این حضور هیچ ارزشی ندارد. آنچه که ارزشمند است جشنواره‌هایی است که در دنیای سینما تاثیرگذار هستند و فیلمسازان مهم ما از آنها جشنواره‌ها جایزه گرفته‌اند. متأسفانه اخبار بسیاری که درباره حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های مختلف می‌خوانیم تنها یک پروپاگاندا برای فیلمساز است و هیچ ارزشی ندارد. جشنواره‌های خارجی و دوره‌می‌های بسیاری هستند که هر سال فیلم‌های زیادی را در قالب جشنواره جهانی نمایش می‌دهند و هیچ ارزشی ندارند.» این هنرمند در بخش دیگری از سخنانش خاطرنشان کرده بود: «متأسفانه شکل گیری بی‌رویه جشنواره‌های فصلی و بی‌ارزش باعث شده هر سال فیلم‌های بسیاری تنها با هدف دستیابی به جوایز این جشنواره‌ها ساخته شده و در نتیجه به مطرح شدن فیلمساز و شکست تهیه‌کننده منجر می‌شود. این جوایز بی‌ارزش نباید به فیلمسازانش امتیاز بدهد و باید با آگاهی نسبت به این موفقیت‌ها برخورد کرد. متأسفانه در رسانه‌های کشور هر روز اخبار بسیاری درباره موفقیت فیلم‌ها در جشنواره‌های مختلف می‌شنویم که حتی نام جشنواره‌اش را اگر در اینترنت جستجو کنیم به زحمت می‌توانیم نشانی از آن پیدا کنیم. من فکر می‌کنم باید جلوی این افتخارآفرینی‌های بی‌ارزش گرفته شود. یک فیلمساز با موفقیت‌های بی‌ارزشی که در جشنواره‌های بی‌ارزش کسب کرده صاحب اعتباری در داخل کشور شده و بازیگران ما که معمولاً سود و اندش شناخت جشنواره‌ها را ندارند فریب خوردند و با این فیلمسازان همکاری می‌کنند. بیشتر شدن حضور فیلم‌های ایرانی در جشنواره‌های رده پایین نه تنها افتخاری برای ما ندارد که بسیاری مضر است و مثل یک سم در سینمای ما عمل می‌کند و کم‌کم شاهد ظهور فیلم‌های شکست‌خورده بسیاری هستیم که بدون هیچ کیفیتی در جشنواره‌های مختلف جایزه می‌گیرند.» در اظهارات کارگردان فیلم سینمایی «گره بسیاه» چند نکته

تازه‌ها را به‌صورت پیش‌قدمانه به‌صورتی که در نگاه اول درخشان است.

مهم وجود دارد که در ادامه به معرفی آنها می‌پردازیم.
۱- چرا باید برای جشنواره‌های جهانی طبقه‌بندی خاصی را مدنظر قرار داد و آنها را به تاثیرگذار و غیر تاثیرگذار تقسیم‌بندی کرد که بعد بخواهیم بگوییم حضور در جشنواره‌های غیر تاثیرگذار هیچ ارزشی ندارد؟ پرسش بعدی آن است که اساساً ملاک‌ها و معیارهایی که مشخص می‌کنند یک جشنواره تاثیرگذار است کدام‌ها هستند تا پس از این کارگردانان دریابند که اگر فستیوالی که می‌خواهند در آن حضور پیدا کنند این ملاک‌ها را نداشت وقت خود را بیهوده هدر ندهند چرا که اگر جایزه بگیرند اساساً هیچ ارزشی ندارد؟

۲- منظور از جشنواره‌های محلی و بومی دقیقاً چیست؟ مسلماً وقتی فیلم‌های حاضر در یک جشنواره از مرز وطنی گذشت و فیلم‌های کشورهای دیگر هم در آن حضور یافتند از حوزه بومی و محلی خارج شده و در زمره جشنواره‌های جهانی قرار می‌گیرد، حتی اگر تعداد فیلمهای خارجی حاضر در یک جشنواره فقط یکی باشد، آن جشنواره طبیعتاً از شکل بومی و محلی خارج خواهد شد. جدا از این موضوع یک جشنواره چگونه می‌تواند محلی و بومی به حساب آید در حالیکه آوازه شهرتش به گوش فیلمسازان ایرانی و حتماً خارجی که تصمیم دارند فیلمشان را به چنین فستیوال‌هایی ارسال کنند، رسیده‌است؟

۳- آقای کارگردان معتقد است حضور فیلمسازان در این جشنواره‌های محلی باعث می‌شود بازیگران گول بخورند و در فیلم‌های این فیلمسازان که از جشنواره‌های بی‌ارزش جوایز بی‌ارزش دریافت کرده‌اند، بازی کنند. این موضوع اساساً با حضور بازیگران مطرح در فیلم‌های کارگردان اولی که در هیچ جشنواره‌ای نوده‌اند منافات دارد، سخن آقای کارگردان این موضوع را در ذهن متبادر می‌کند که کارگردانانی که جایزه‌های بی‌ارزش دریافت کرده‌اند به واسطه اینس جایزه‌ها می‌خواهند بازیگران را گول بزنند تا در آثارشان بازی کنند، در حالیکه سینمای ایران هر ساله تعداد قابل توجهی کارگردان فیلم اولی دارد که هیچ جایزه‌ای نگرفته‌اند، ما این تفهیر آنها چگونه می‌توانند بازیگران مطرح را به حضور در فیلمهایشان ترغیب کنند؟

۴- کریم امینی حضور در چنین جشنواره‌هایی را مانند سمی خطرناک می‌داند که در دراز مدت باعث می‌شوند فیلم‌های سینمایی در ایران به فیلم‌های شکست خورده‌ای تبدیل شوند که کیفیت چندانی ندارند و به خاطر «هیج» از جشنواره‌های محلی و بومی جایزه گرفته‌اند. این اعتقاد ما را با یک پرسش مهم مواجه می‌کند؛ اگر چنین عقیده‌ای درست است در حال حاضر بسیاری از فیلم‌های سینمایی که نمی‌توانند در گیشه مخاطب موفق عمل کنند و مخاطب از آنها استقبال نمی‌کند، دلیل شکستشان چیست؟ آنها که در هیچ جشنواره‌ای حضور نداشته‌اند و جایزه هم نبرده‌اند پس چرا کیفیتشان پایین است و به فیلم‌های شکست خورده در سینما معروفند؟ با این تفسیر به نظر می‌رسد باید برای شکست خوردگی برخی فیلم‌های سینمایی اساساً دنبال دلایل دیگری بگردیم که هیچ ارتباطی با حضور در جشنواره‌های معمولی و دریافت جایزه‌های بی‌ارزش ندارند.

■ موفقیت در فیلمسازی

ابوالفضل جلیلی کارگردان سینما دومین فردی است که بخشی از اظهاراتش را برای بررسی در این